

ماه‌نامه

حیرا

Monthly Hera

می‌اشتی



۱۰ راه برای استقبال از ماه مبارک رمضان *

ولی کناه کوو؟ *

سیری مختصر به زندگی پیامبر ﷺ *



اصطلاحات اسلامی و احکام ان

فقه

پیامبر اسلام فرموده اند: «صوموا لرؤیته و افطرروا لرؤیته». یعنی با دیدن هلال رمضان روزه بگیرید و با دیدن هلال شوال افطار کنید.

حدیث

«کان أَحَبُّ الشَّهُورِ إِلَيْهِ أَنْ يَصُومُهُ»، شعبان کان یصله برمضان. حضرت عایشه رضی الله عنها در کتاب النسایی روایت شده است که: «اگر چنانچه یک مسلمان که بیان نمودند: انحضرت حلی راستگو در هر جایی از زمین ماه را بیند روزه رمضان بر همه مسلمانان واجب می شود».

قرآن کریم

قال تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا لَكُمُ الْأَنْعَامَ أَنْ قُضَّيْتُمُ الْأَنْعَامَ وَاتَّقُوا اللَّهَ تَلَكُّمُ تَفْخُمُونَ» (آل عمران: ۱۳۰). گرفتن زیادت پول از اصل مبلغ سود است. اما سود/ربا در زمان جاهلیت در تاخیر پرداخت بود اگر فردی نمی توانست قسrt خوبی را بپردازد بالای اصل مبلغ قریش پول اختلاف می نمود و مهلت می داد. اما حسابات بانک های امروزی بدتر از خود از زمان هست. بانک های امروزی در همان مرحله اول بالای فرد می قبولند که باید فی صدی تاخیر را بپردازد.

سرمقاله

دبaleh رو نباشد!

انسان ها همیشه برای به سازی زندگی فردی، فامیلی و فردی خویش مرجع تقليد داشته است . انتخاب این مرجع بنابر عوامل مختلف اجتماعی و عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی صورت گرفته است و بنابر توان ها و ظرفیت های خاصی که الله جل جلاله در وجود انسان ها گذاشته است این فکتورها گهگاهی برهمدیگر سبقت میگیرند. انسان های عقیده مند به ادیان وخصوصا مسلمانان مرجع خیر وشر، خوب و بد، رشت وزیبای خویش را اسلام و هدایات ان دانسته و نصوص شرعی و دینی را سرلوحه اعمال خویش قرار می دهد. در این عقیده فقط منبع وحی جلی و خفی غیر قابل تغییر هست و سایر انسان ها و دیدگاه های شان در مسر تفاوت و تغییر هست. هرنوع وابستگی به انسان دیگر و یا اندیشه های وی بدون از مقایسه و سنجش اهداف و مقاصد ان، اسباب و نتیجه ان قابل پذیرش نبوده و لازم الاجرا نیست. گرفتار شدن به کسی و تقليد کورکورانه از یک عالم و یک نویسنده نه تنها که صواب نبوده بلکه معصیت شمرده میشود. بنابر عقیده اسلام هیچ انسانی معصوم نبوده و فقط پیامبران الهی از گناه بری هستند و بس. زیرا انها هر لحظه از طریق وحی تصحیح میشوند و خطای اگر انجام دهند اصلاح میگردد. تقليد ها و یا تمجید بعضی از انسان ها بدون از واقعیت امر دلایل مختلفی دارد که یکی از انها برتری جویی از افراد طرف زندگی هست تا در پیش چشمان انها نشان دهد که من با افراد مهمی روابط دارم نسبت به شما. و گاهی جهل و ندانی باعث تقليد کورکورانه افراد میگردد و همین گونه نیازمندی های اقتصادی و فرهنگی زندگی انسان ها در کل از دیدگاه اسلام با هدف بوده و انسان مکلف به رعایت فکتورهای خیر وشر در همه احوال و حوادث ان هست. بدن انسان ملکیت خود انسان نبوده و هر نوع ضرر و زیان برآن حرام بوده و گناه محسوب میگردد. نوع پوشش، نوع غذا و همین گونه صحتمندی و سلامتی، عزت و ابرو، حفظ نسل و پاکدامنی انسان، ابرو عزت، دین و باورها همه مواردی هست که انسان در مقابل انها مسئولیت داشته و باید از مرجع صحیح و معتبر انها را تربیه و رشد داد.



ماهنامه تربیتی، علمی و دینی

هیئت مدیره

نور عالم حکیمیار | علاء الدین وحیق | شجاع مستقل

په دې گنه کې:

ولې گناه گوو؟

۱۰ راه برای استقبال از ماه مبارک رمضان

سیری مختصر به زندگی پیامبر ﷺ

آفات تقليد در گمراهی مقلد

Patience In Islam

تاسو کولی شئ حرا مجله له لاندې ادرسوونو خخه لاس ته راوړۍ

London:

- Value 4 Money, 66 Golden Green Rd, London NW11 8LN
- Max Savers, 8082- High Street EN8 7BU
- HomeFix Extra, 336340- High Road, Harrow Weald, HA3 6HS
Mob: 07459561846

Manchester:

Kamal Exchange, m10&13 salad lane, Longsight, Manchester 13 0QE.
Mob: 7988807237

۱۰ راه برای استقبال از ماه مبارک رمضان

• روش هفتم: باید آن ماه را با عزم ترک گناه و بدی و توبه خالصانه از همه گناهان دریافت کنیم و از بدی‌ها پرهیز کنیم و اراده این را کنیم که به آنها برنگردیم، زیرا ماه توبه است، پس هر که در آن توبه نکند. چه وقت توبه می‌کند؟ خداوند متعال می‌فرماید: (توبوا إلی الله جمیعاً آیه‌المُؤْمِنُونَ لعلکم تفلحون) [السور: ۳۱].

در حقیقت بزرگترین محروم کسی است که با گناه و معصیت از رمضان استقبال می‌کند، مثل اینکه ضرمندترین مردم کسی است که در بازاری که همه از آن سود می‌برند با دستانی خالی همراه خسارت بیرون آید، در حالیکه بنده‌های خدا با عبادات از آن استقبال می‌کنند.

• روش هشتم: آمادگی روحی و روانی از طریق خواندن و مرور کتب‌ها و پیام‌ها و گوش دادن به سخنرانی‌های اسلامی و دروس اسلامی که فضیلت روزه و احکام آن را بیان می‌کند تا روح اطاعت در آن ماه آماده شود. قسمی که اصحاب رضی الله عنہ روح خود را برای بهره مندی از این ماه آماده می‌کرند، پس در روز آخر شعبان می‌فرمودند: ماه رمضان به سراغ ما آمد... الی آخر. حدیث را احمد و نسائی (لطیف المعارف) نقل کرده‌اند.

با روح و روان از این ماه آماده استقبال باشیم.

روش نهم: آمادگی خوب برای دعوت خدا از راه‌های:

- 1- ایراد سخنرانی و دستورات را به صورت درست تهیه کنید تا در مسجد و محل که زندگی دارید تقدیم کنید.
- 2- توزیع بروشورها و پیام‌های تبلیغاتی و فقهی مربوط به ماه مبارک رمضان بین مردم.
- 3- تهیه (هدیه ماه مبارک رمضان) برای ایجاد الفت و تشویق دیگران، این کارثایرات به سزای دارد.
- 4- دادن صدقه و زکات به فقرا و نیازمندان به آنان.

• روش دهم: به باز کردن یک صفحه سفید روشن وجدید به استقبال ماه رمضان می‌روم،
بدان که این ماه مبارک میهمانی است که سفر خواهد کرد، پس مهمان نواز خوبی باشیم که سریعتر از آن چیزی که تصویرش را هم کنید خواهد رفت.
نکاتی را درنظر خود داشته باشیم،

الف- با توبه و رجوع به الله متعال خود را از دام گسترد
دنیا برهانیم و در نعیم رحمت و بخشش الهی قرار دهیم.
هرگاه گناهی انجام دادی و خداوند آنرا پوشاند، بدان که فرصتی است برای توبه پس بشتاب و بر ترک گناه عزمت را استوار گرددان.
ب- اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنچه امر فرموده و از آنچه نهی و سرزنش کرده دوری کنیم.

مواظب سنت های مؤکد باشیم، تا هرگز از دست مان نرود زیرا انجام سنت ها دارای آجر و پاداش بزرگی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: (مسلمانی که روزانه غیر از فرائض دوازده رکعت نماز می‌خواند خداوند متعال سپری کند بدون اینکه احساس خستگی و احساس سنگینی کند، إن شاء الله ماه رمضان را در اطاعت خداوند متعال بگیرید).

روش پنجم: عزم خالصانه را انجام اعمال صالح جزم نماییم و هر لحظه اوقات خود را پر از اعمال نیک کنید، هر که به خدا ایمان آورد الله متعال او را در اطاعت آسانی و در راههای خیر او را یاری می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید: (فلوصدوا الله لکان خيرا لهم)، {محمد: ۲۱}.

و اگر به خدا راست می‌گفتند برایشان بهتر بود!

عزم خویش را انجام اعمال صالح مشغول بداریم، انسان مؤمن مانند گمشده ای با ارزش به دنبال رمضان می‌گردد و دایماً غصه‌ی این را می‌خورد که مبادا آنرا پیدا نکند و فرصت و بهره‌ی استفاده‌ی دوباره از آن را از دست بدهد.

• روش ششم: آگاهی به علم فقه به احکام ماه مبارک

رمضان. مؤمن باید خدا را با علم عبادت کند و جهل سبب غفلت از انجام عبادات نگردد. مسائل و احکام روزه را قبل از رسیدن ماه باید بداند تا روزه را صحیح گرفته و عبادتش مقبول درگاه خداوند متعال گردد: (فاسأوا أهل الذکر إن کنتم لاعلمنون) [أنبياء: ۷].

روش سوم: شادی و سرور، ثابت شده است که رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود به آمدن ماه

رمضان بشارت می‌داد و می‌فرمود: : رمضان به سوی شما عادت‌ها!

عالیه ایشان- المان

حمد و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است و درود و صلووات بر حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و اصحاب آنحضرت باد.

و امابعد :

برای هر مسلمانی که قبل از رسیدن به ماه رمضان در حالی که او سالم و تدرست است برای استقبال از رمضان هیچ چیزی بهتر از این نیست که مسلمان با شادی و سرور به پیشانی باز این ماه برود. والله متعال را سپاس گوید اینکه او را به رمضان رسانده تا آن در راه اطاعت خداوند متعال بهره برداری کند. از وسائل و انگیزه‌های ایمانی بر خوردار شود، که روح مؤمن را الهام می‌بخشد. اشتیاق در عبادت خداوند متعال در این ماه مبارک از انگیزه‌های ایمانی است برای بهره برداری از آن می‌پردازیم، سخن بزرگان : خوش به حال کسی که قبل از رمضان نفسش را اصلاح کند.

چگونه به استقبال ماه مبارک رمضان بروم؟

س: راه‌های مناسب برای استقبال از این ماه مبارک چیست؟
مسلمان نباید از مناسبت‌های اطاعت الهی غافل شود و از اولین انجام دهنده‌گان و از سبقت گیرنده‌گان در آن ماه باشد. خداوند متعال می‌فرماید: {وفي ذلك فليتنافس المتنافسون} آیه (مطفين: 26).

پس ای برادر و خواهر مسلمان، مواظب باشید که ماه مبارک رمضان را به شیوه‌های زیر استقبال کنیم:

• روش اول: دعا کردن خداوند متعال که خداوند شما را در حال سلامتی و تندرنستی به ماه رمضان برساند تا در عبادت خدای متعال فعال باشید . مانند روزه و قیام و ذکر، قسمی که روایت شده است. از انس بن مالک رضی الله عنہ که

گفت وقتی رجب آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (اللهم بارك لنا في رجب وشعبان وبلغنا رمضان) رواه أحمد والطبراني «خدایا رجب و شعبان را برای ما برکت بفرست، ما را به رمضان برسان.

زیرا ماه شعبان مقدمه و تمرين ماه رمضان است که بدن را آماده می‌سازد. در لطایف المعارف ذکر است که پیشینیان صالح از خدا می‌خواستند، بارالها ما را سالم و صحیح به رمضان برسان و به ماتوفیق عطا بفرما و سپس از او تعالی می‌خواستند که آن را از آنها بپذیرد.

پس چون هلال ماه مبارک رمضان دیده شد، دعا کن (الله اکبر اللهم أهله علينا بالأمن والإيمان والسلامة والإسلام والتوفيق لما تحب وترضى ربی وربک الله) ترجمه: خدابزرگ است، پروردگار! هلال ماه را با امنیت و ایمان، صلح و اسلام به ما عطا کن و به آنچه دوست داری و به آن راضی هستی توفیق ۵۵). [روایت ترمذی والدرامی و صحیح ابن حیان]

• روش دوم: ستایش و حمد از صول آن ، نووی رحمة الله عليه در کتاب الذکر می‌فرماید:

(أعلم أنه يستحب لم تجدد له نعمة ظاهرة، وأندفعت عنه نعمة ظاهرة أن يسجد شكرًا لله تعالى أويشي بما هوأله) ترجمه: (بدان که پسندیده است برای کسی که نعمت آشکاری برای او تجدید شود، یا یک لعنت آشکار از او برداشته شده است، به شکرانه خداوند سجده کند، یا او را به آنچه سزاوار است ستایش کند). و این یکی از بزرگترین نعمت هاست، خداوند به بنده توفیق طاعت و عبادت می‌دهد. ماه رمضان برای مسلمان در حال سلامتی، نعمت بزرگی است و سزاوار شکر و ستایش خداوندی است که در آن مهربان و بخشندۀ است و حمد و ستایش مخصوص خداوند است که شایسته جلال او و عظمت قدرت اوست.

• روش سوم: شادی و سرور، ثابت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خود به آمدن ماه رمضان بشارت می‌داد و می‌فرمود: : رمضان به سوی شما عادت‌ها!



سیری مختصر به زندگی پیامبر ﷺ

والدین، ادائی حقوق فامیل، مسکین ومسافر، اسراف نکردن، بخل نورزیدن، رزق از جانب الله جل جلاله، دوری از زنا وفحشاو..... از دست اوردهای ویاتحیف شب معراج می باشد. با وجود همه مشکلات و فشارها پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به تبلیغ دین مقدس اسلام ادامه دادند.

بیعت اول و دوم بایک سال فاصله انجام یافت، به دنبال ان مسلمانان به امر خداوند و رضایت پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کردند و در اخیر پیامبر محبوب مابایار خود حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنہ به مدینه مهاجر شدند و مشرکان مکه از گارثورتابه مدینه منوره افرید شروع شد که در دوشنبه 17 یا 21 رمضان مطابق به 610 م آغاز یافت و بدین طریق از جانب الله جل جلاله به مقام پیامبری برگزیده شد.

نخستین کسانی که به دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بسوی اسلام شتافته و به او ایمان اوردند: از زنان حضرت خدیجه، از زوجوانان حضرت علی رضی الله عنہ که 12 سال عمر داشت و حضرت زید بن حارثه، از غلامان حضرت بلال و از مردان حضرت ابوبکر بودند. سپس به رهنمائی ابوبکر صدیق رضی الله عنہ عثمان بن عفان، عبدالرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقار، طلحه و زبیر رضی الله عنهم نیز مسلمان شدند. همه مسلمانان نخست و در رأس

شان پیامبر از دست مشرکان و بت پرستان بسیار رنج دیدند که حتی یاسرو همسرش سمیه رضی الله عنهم در راه خدا شهید شدند و جان شیرین شان را در راه الله جل جلاله فدا کردند. واژ مردان مسلمان مانند حضرت بلال، ابو فکیه و خباب بن ارت رضی الله عنهم و از زنان هم قهرمانانی مانند: ام عبیس، نهدیه و زنیره رضی الله عنهم رنج عذاب بسیاری را کشیدند. در سال پنجم بعثت برخی از مسلمانها بدستور احضرت صلی الله علیه وسلم به خاطرا ذیت های زیاد که از طرف کفار برای شان میرسید به حبشه هجرت نمودند که در مرحله

اول 12 مردو 4 زن و در مرحله دوم 83 مردو 19 زن به طرف حبشه هجرت کردند و در سال هفتم بعثت مشرکان تصمیم گرفتند مسلمانان را محاصره و تحریم کنند، لذاتجارت و هرگونه ارتباط شان را با مسلمانان قطع کردند و این تحریم 3 سال ادامه داشت. در سال 10 بعثت وقتی حضرت خدیجه و ابوطالب وفات یافتند ظلم و ستم دشمنان چند بر ابر شد. زیرا ابوطالب شخص بانفوذ و با اعتبار بود که از پیامبر صلی الله علیه وسلم حمایت می کرد و حضرت خدیجه رضی الله عنها تنها یاور و مومن س رسول الله صلی الله علیه وسلم در داخل خانه بود. به همین ترتیب بنسبت وفات ازها آحضرت صلی الله علیه وسلم بسیاراندو هگین شد که همین سال راعام الحزن یعنی سال غم نام نهادند. درین دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به قصد بدست اوردن حمایت بیرونی به شهر طایف رفت اما طائفیان نه تنها که اسلام را پذیرفتند بلکه آحضرت صلی الله علیه وسلم را با سنگ ها زدند و پاها را مبارکش را خون آلو دساختند.

ولی بنابر روایتی وقتی این مشکلات به شکل پی در پی ادامه داشت درین روزها پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به معراج برده شد و به إکرام الهی نائل امد و او امرونوها را مستقیماً و بدون واسطه از جانب پروردگارش بدست اورد. در این شب چندین حکم بر پیامبر بزرگوار مانازل گردید. که در ایات 22 تا 32 سوره إسراء مطرح شده است، بطور نمونه: توحید، احسان و نیکی



پیامبر عزیز مابا صبر، عزم وارداده محکم اسلام را به انسانیت تبلیغ کرد در اوایل سال 11 هجری روز دوشنبه 12 ربیع الاول چشم از جهان فروبست و به ملاقات الله جل جلاله نایل گردید. و در همان خانه ؎ی که وفات یافته بود به خاک سپرده شد. انا لله و انما الیه راجعون .

ترتیب شده از : ابن هشام ، کنز السیره ، رحیق المحتوم و داستانهای پیامبران.

آفات تقلید در گمراهی مقلد

اندیشه های غیر سالم اسلامی دارند و حتی بعضی از

انها الف با ابتدایی اسلامی را نیز نمی دانند.

قرآن کریم در مورد پیروی بحث "کهنه فکران پیشرو و

خویش را می گرفتند، اگر فردی با مسئله تازه ای روبرو

می شد با مراجعه مستقیم به منبع وحی و شخص رسول

الله صلی الله علیه وسلم مشکلات خود را بر طرف می

نمود، اما در دوره های بعد وضعیت تغییر یافت، سرمین

اسلامی گسترش پیدا کرد، کشورهای زیادی

به اسلام گرویدند، روابط بازارگانی، فرهنگی

و اجتماعی ملت ها پیچیده تر شد و اندک

اندک رشته های مختلف علمی تنوع و

گسترش یافت. در این میان فقه، قرائت،

حدیث و تفسیر در صدر قرار داشت و با

قدرت، صلابت و ابهت هرچه تمام تر جلو

دار کاروان علمی ان روزگار بود. و همه ائمه

دین و دانشمندان اسلامی متفق هستند که

تنهایا فرموده خدا و رسول او حجت است و

بس.

علاء الدین رحیق

مسلمانان در صد اسلام مستقیما از حضرت محمد

مصطفی صلی الله علیه وسلم فتوا و معلومات دینی

خویش را می گرفتند، اگر فردی با مسئله تازه ای روبرو

می شد با مراجعه مستقیم به منبع وحی و شخص رسول

الله صلی الله علیه وسلم مشکلات خود را بر طرف می

نمود، اما در دوره های بعد وضعیت تغییر یافت، سرمین

اسلامی گسترش پیدا کرد، کشورهای زیادی

به اسلام گرویدند، روابط بازارگانی، فرهنگی

و اجتماعی ملت ها پیچیده تر شد و اندک

اندک رشته های مختلف علمی تنوع و

گسترش یافت. در این میان فقه، قرائت،

حدیث و تفسیر در صدر قرار داشت و با

قدرت، صلابت و ابهت هرچه تمام تر جلو

دار کاروان علمی ان روزگار بود. و همه ائمه

دین و دانشمندان اسلامی متفق هستند که

تنهایا فرموده خدا و رسول او حجت است و

بس.

همه مسلمانان معتقد بودند که تقلید

کورکرانه و پیروی کردن از عالمی بدون

از انکه کلام و علم وی را با اصول اسلامی

مقایسه نمایند انحراف از مسیر دین، موجب

ركود علمی و بازگشت به دوران جاهلیت،

توحش، ستمگری و بی بندوباری است.

ولی متأسفانه بسیاری از مردم این توصیه

های نورانی را پشت گوش انداختند، به انها

بی اعتمنا شدند و خود را در قالب مقلدانی

فداکار، متعصب و سختگیر جا زند و

دروازه هر نوع آزاداندیشی، تنوع و تکامل

علمی را بر خود بستند، انها به گونه ای

به اجتهادات، تفکر و اقوال پیشوایان خود چسبیدند

که گویا وحی منزل همین هست. سعادت و حقیقت

را، نه در کتاب و سنت، بلکه در سخنان و آرای فرد

مورد تقلید خویش دیدند و سخت به ان دل بستند،

به گونه ای بسیار تنگ نظرانه و افراطی بر حقانیت

انها پافشاری کردن و از جاده حق، انصاف، عدالت

و اعتدال منحرف شدند. این افراد رهبر تقلید شده

خویش را با الفاظی خاص و کلماتی سنگین و القابی

وزین بیان و توصیف می نمایند.

واز همه تاسف بارت، بعضی از این افراد در قالب

گروه های دعوتی داخل شدند و به پیشوای دعوت به

دیگران تبدیل گردیده و خدا میداند که چه زیانهای

به تعییر اسلام و اذهان مسلمانان وارد نموده اند.

از آنجائیکه انسان ها از فکتورهای ماحول خویش متاثر

میگردد افراد خالی الذهن و کم اندیش مسلمان

معمولاتابع این افراد بنابر لزوم رعایت ادب سنت

و رسومات می باشند و از طرف دیگر با توجه به

مشکلات فقر و بی کاری که نسل جوان را در کشورهای

جهان سوم به چالش های بزرگ رفتند به سوی تمدن

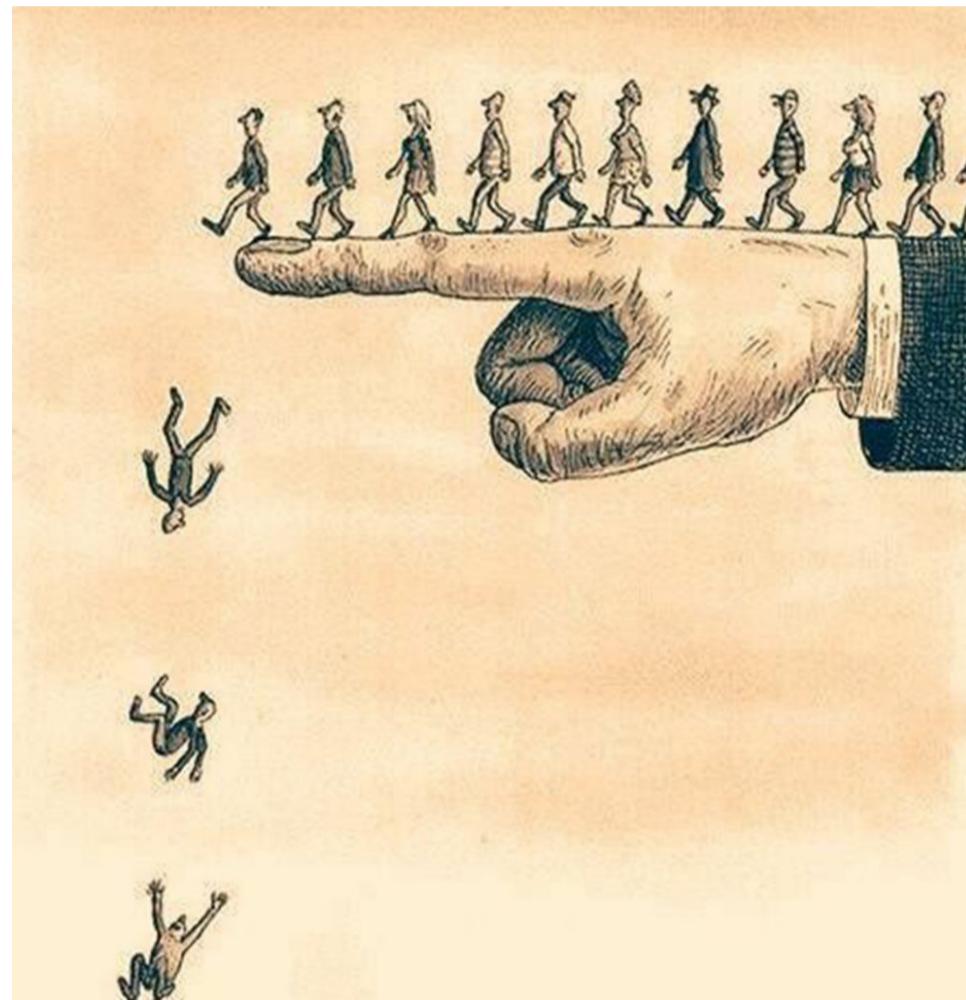
و مدرنیته شدن قرار داده است و جوان نمی تواند

قائد لشکر نوادگانی باشد، جبرا تابع کهنه فکرانی

هستند که پیشرودی این نسلها قرار گرفته اند.

وجالبتر اینکه، اکثریت این کهنه فکران پیشوای

تنها که علم تخصصی دینی ندارند بلکه اکثریت انها



بر شما نازل شده است و جز خدا از اولیا و سرپرستان

دارد.

و آیه سوره احزاب آیه بیست و یکم بهترین و مناسب

ترین قدوه و اسوه زندگی فردی و اجتماعی، سیاسی و

فرهنگی، اقتصادی و نظامی، مدیریتی و رهبری را حضرت

محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بیان می دارد و

بس.

(لقد کان لكم فی رسول الله اسوه حسنہ لمن کان یرجوا

الله والیوم الاخر)

ترجمه: پیامبر خدا برای شما سرمش و الگوی زیبایی

است برای کسانی که امید به خدا داشته و جویای

قيامت باشند.

بحث خود را با بحث اخیری این مورد از ایه پنجه هم

سوره قصص که فرموده است خاتمه می نمایم.

(فَإِنَّمَا يُسْتَجِيبُ لَكُمْ فَاعْلَمُ أَنَّمَا يَتَبَعَّنُ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ

أَضَلَّ مِنْ أَنْتُمْ إِلَّا هُوَ أَنَّ اللَّهَ أَنْ لَيْهُ دِينٌ

الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ)

ترجمه: پس اگر به تو پاسخ ندادند، بدان که ایشان

فقط از هواها و هوس های خود پیروی میکنند! آخر چه

کسی گمراه تر و سرگشته تر از آن کسی است که از

هوا و هوس خود پیروی کند، بدون این که رهنمودی از

جانب خدا باشد، به یقین خداوند مردمان ستم پیشه را

رهنمود نمی سازد.

همه مسلمانان معتقد بودند که تقلید

کورکرانه و پیروی کردن از عالمی بدون

از انکه کلام و علم وی را با اصول اسلامی

مقایسه نمایند انحراف از مسیر دین، موجب

ركود علمی و بازگشت به دوران جاهلیت،

توحش، ستمگری و بی بندوباری است.

Quran

Compiled by: Inspired Foundation DawaTeam

Linguistic meaning:

There are a number of different opinions regarding the linguistic meaning of the Qur'aan. But the most strong and popular opinion and the opinion held by at-Tabaree is that the word "Quran" is derived from qara'a, which means "to read, to recite". Allah says in the reference to the Quran:

وَقُرْءَانًا فَرَقْتُهُ

'It is' a Quran We have revealed in stages [17:106]

And in other place, Allah swt says:

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَةً وَقُرْءَانًا (١٧) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبَعْ قُرْءَانَهُ

It is certainly upon Us to 'make you' memorise and recite it. So once We have recited a revelation 'through Gabriel', follow its recitation 'closely'. [75:17-18]

Definition of the Quran:

There are many definitions of the Quran, but they differ in wording only. There is no difference of opinion as to what the Quran is, but merely what the best way to define it is.

One of the more appropriate definition is as follows: The Quran is the Arabic speech (kalaam) of Allah, which He revealed to the Prophet Muhammad ﷺ in wording and meaning, and which has been preserved in the mushafs, as has reached us by the mutawaatir transmissions, and is challenged to mankind to produce something similar to it.

The breakdown of the definition

The statement in the definition, "The Quran is the Arabic" implies that the Quran is in Arabic language. This, therefore, implies that a translation of the Quran into another language cannot be considered the Quran. Imam az-Zarkashee said "Know that the Quran has been revealed in the language of the Arabs. Therefore, it is impermissible to recite it in any other language".

There are eleven references that the Quran is in Arabic language, among which are the following verses:

وَهَدَا لِسَانٌ عَزِيزٌ مُّبِينٌ (١٣)

whereas this 'Quran' is 'in' eloquent Arabic [16:103]

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

Indeed, We have sent it down as an Arabic Quran [12:2]

وَكَذِيلَكَ أُوحِيَنَا إِلَيْكَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

And so We have revealed to you a Quran in Arabic [42:7] Since the Quran described itself to be Arabic, therefore any non Arabic speech cannot be the Quran.

However, one may ask that, is every word in the Quran originally from the Arabic language?

In other words, does the Quran use words from other languages?. However, is every single word in the Quran originally from the Arabic language? There exist narrations from some of the Companions, and many grammarians after them, concerning certain words in the Quran which were claimed to be of non-Arabic origin. Thus, for example, Ibn 'Abbaas claimed that the word toor was Syriac for "mountain", tafqa meant "to intend" in the Roman language, hudnaa was Hebrew for repentance etc.

This opinion led some later scholars to come forth with numerous examples of words that were claimed to be non-Arabic in origin, yet mentioned in the Quran. As-Suyootee (d. 911 A.H.) compiled a list of over a hundred words in the Quran that were claimed to be non-Arabic in origin, and even versified these words in a poem.

Other scholars, however, denied the claim that there could be any non-Arabic words in the Quran. Basing their evidence on the Quranic verses quoted above, they held the view that these verses precluded the existence of foreign words in the Quran. Imam ash-Shaafee (d. 204 A.H.) was particularly strict in this matter, for he wrote concerning some grammarians of his time, yet the Quran is explicit that there is nothing in the Book of Allah except that "it is in the language of the Arabs...". In attempting to refute the opinion that the Quraan contains foreign words, at-Tabaree (d.310A.H.)

claimed that these particular words were used by both of these languages simultaneously, and thus the Companions' claims that these words were non-Arabic only meant that they were also used by other languages as well. Therefore, the correct opinion is that there are no non-Arabic words in the Quran, although there are words that have non-Arabic origins. Due to the continued usage of these words by the Arabs, however, they can no longer be considered foreign.

The next part of the definition of the Quran which states it is the "Speech (kalaam) of Allah" . The Quran is the speech of Allah , that He spoke in a manner that befits Him. This excludes all speech that emanated from men, jinn and angels.

The next part of the definition states " Which He revealed to Muhammad ﷺ". This excludes any other Speech (kalaam) of His that He spoke. The Kalaam of Allah is infinite, as the Quran says:

وَلَوْ أَنَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ سَجَرَةٍ أَفْلَمْ وَالْجَنُّ تَمَدُّدٌ مِّنْ بَعْدِهِ سَيْنَةً أَبْحَرْ (٢٧) مَا نَيْدَثْ كَلِمَتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٢٨)

If all the trees on earth were pens and the ocean 'were ink', refilled by seven other oceans, the Words of Allah would not be exhausted. Surely Allah is Almighty, All-Wise. [31:27]

Therefore, this part of the definition limits the Quran to the Kalaam that Allah revealed to the Prophet Muhammad ﷺ, and excludes any Speech that He spoke to other than the Prophet ﷺ . The Quran is specifically the revelation send down to the Prophet Muhammad ﷺ.

وَإِنَّهُ لَتَنزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٩٢) نَزَّلَ بِهِ الْرُّوحُ الْأَمِينُ (١٩٣) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (١٩٤)

This is certainly a revelation from the Lord of all worlds, which the trustworthy spirit 'Gabriel' brought down into your heart 'O Prophet'—so that you may be one of the warners

[26:192-194]

The next part of the definitions states:"..in wording and meaning....." This part of the definition affirms that the words of the Quran are from Allah, and not from Jibreel or even Muhammad ﷺ . According to some scholars, this part of the definition also excludes hadith Qudsee, since, according to these scholars, hadith Qudse is only inspired in meaning, while its wording is from the Prophet ﷺ .

The next part of the definition states:"...which has been preserved in the mushafs..."

A mushaf is a written copy of the Quran. When used in this definition, it refers specifically to the copies that the Caliph Uthman ordered to be written. Therefore,

it includes one hundred and fourteen surahs, starting with Surah al-Faatihah and ending with Surah an-Naas. The Quran must be written in any one of the mushafs of Uthman. This part of the definition excludes the verses that used to be a part of the Quran,

such as those whose recitation was abrogated (the mansooh), and those readings that were abrogated by the Prophet ﷺ before his death, when he recited the Quran for the last time. The reading must be in at least one mushaf of 'Uthman, and not necessarily in all of them.

The next part of the definition states: "...and has reached us by mutawaatir transmissions." A transmission is called mutawaatir when it is reported by a large number of people, such that they couldn't all be mistaken or intentionally forge a lie. The Quran has reached us through mutawaatir chains of narration. In other words, in each

generation so many people have narrated it that there is no question of its authenticity.

There are some readings, however, that have not reached us in mutawaatir form (in other words, they are ahaad). Such readings are not considered part of the Quran.

This point will be further elaborated in a later chapter. The last part of the definition states: "...and is a challenge to mankind to produce something similar to it." This part of the definition is extraneous in that it does not

remove anything that should not be a part of the Quran (unless one believes that hadith Qudsee is inspired in meaning and wording, in which case this portion would remove hadith Qudsee as being part of the Quran). This portion is essential, however, in that it mentions the miraculous nature (i'jaas) of the Quran. Allah has challenged mankind to produce even a chapter similar to it, and this challenge is reserved for the Quran, and not for the hadith as Allah says in the Quran:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأُتْهِيْنَا شَهِيدَأَكُمْ مَّنْ دُونَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَدِيقِنَ (٢٣)

And if you are in doubt about what We have revealed to Our servant, then produce a sârah like it and call your helpers other than Allah, if what you say is true. [2:23] It should be mentioned that the word 'Quran' can be used for the whole Quran and for a part of the Quran. Thus, if someone has recited a few verses from the Quran, or has completed the recitation of the whole Quran, it is possible to say in either case, " You have recited the Quran".

Importance of the Quran

The Quran holds paramount importance in the lives of Muslims, serving as a divine guide and source of enlightenment. It is revered as the literal word of Allah, offering solutions to life's complexities and moral dilemmas. Its verses provide timeless wisdom and clarity in navigating life's challenges, covering spirituality, morality, law, and personal conduct. Quran covers all aspects of humanity and human life because it is the book of Islam through which one will live his life because Islam is a perfect religion as Allah says in the Quran:

أَلْيَوْمَ أَكْمَلْنَا لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَأَتَمَّنَا عَلَيْكُمْ نِعْمَتِنَا وَرَضِيَّنَا لَكُمْ أَلْإِسْلَامَ دِيْنًا Today I have perfected your faith for you, completed My favour upon you, and chosen Islam as your way (of life/religion) [5:3]

Unlike previous scriptures, the Quran remains unchanged since its revelation, preserved meticulously through oral transmission and written documentation, safeguarding its authenticity for all generations as Allah says in the Quran:

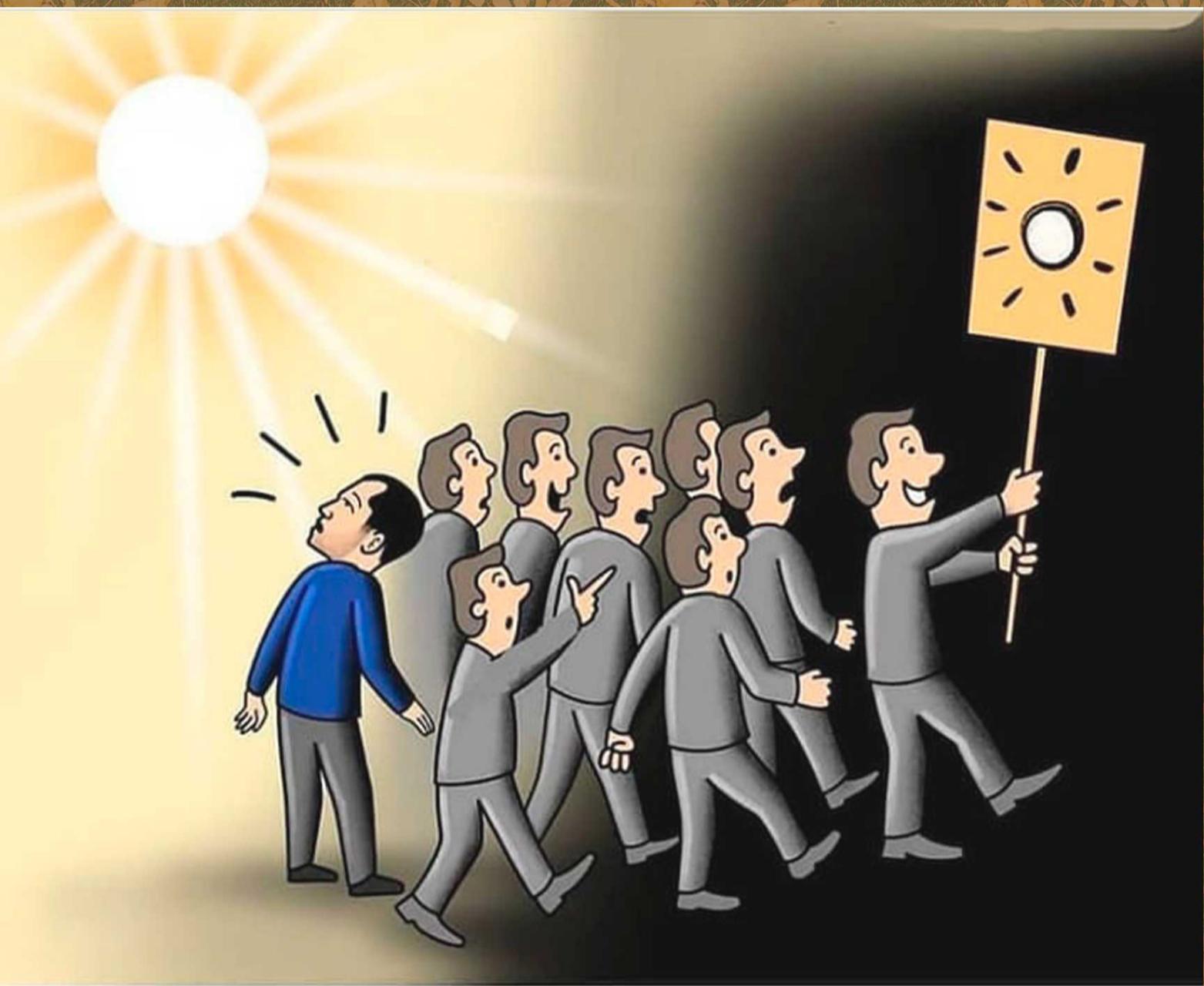
إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الْأَلْذُكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ (٩)

It is certainly We Who have revealed the Reminder, and it is certainly We Who will preserve it. [15:9]

All attempts of alteration have resulted in failure

The preservation of the Quran from alteration is attributed to significant figures and events in Islamic history. Zayd Ibn Thabit (may Allah be pleased with him), a talented writer among Prophet Muhammad's companions, played a crucial role in organising the Quranic revelations. When Umar Ibn Al-Khattab (may Allah be pleased with him) noticed the loss of Quran memorizers during the War of Apostasy, he suggested compiling the Quran into a single volume to Abu Bakr (may Allah be pleased with him) as he was caliphate by the time. Abu Bakr (may Allah be pleased with him), then tasked Zayd Ibn Thabit (may Allah be pleased with him) with this mission, resulting in the 'Mushaf.' During the caliphate of Umar (may Allah be pleased with him), the original copy of this compilation was entrusted to Hafsah (may Allah be pleased with her), one of the Prophet's wives and daughter of Umar (may Allah be pleased with him). Subsequently, during the caliphate of Uthman, may Allah be pleased with him, standardised copies were distributed to prevent alterations due to dialectical differences but the original copy of the Mushaf remained with Hafsah (may Allah be pleased with her). These copies conform to 'Uthman's standard and have been meticulously reproduced by Muslims over the ages, showcasing exquisite craftsmanship. With the advent of printing, the Quran became even more widely accessible, with numerous editions available worldwide, ensuring its preservation and dissemination for future generations. Wasallam,

تصویر سخن می گوید



مراقب باشید،
کورکورانه از دیگران تقلید نکنید.

media@hayatfoundation.org.uk @

hayatfoundationuk



+44 7588 811824 - +44 7508 848893

تماس

www.hayatfoundation.org.uk



با ما

ماهنامه

حداد Hera

میاشتی

Monthly

ماه نامه

تربیتی

علمی

و دین